

The Trojan Horse Infantry: Gradual Infiltration of Liberal and Secular Thought into the Core of the Religious Community of Schools in Iran with an Emphasis on Modesty and Hijab¹

Hossein Hassani^{2✉}  Delaram Darvish-Pour³ 
Yusuf Hanafi⁴ 

1. This paper is derived from the research project conducted during the first author's sabbatical at the Research Institute of Education at the General Directorate of Education in Yazd Province, approved by Yazd University in 2024.
2. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. **Email:** hassani.hossain@yazd.ac.ir
3. MA Student, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. **Email:** darvishpouredelaram@gmail.com
4. Professor, Department of Arabic Literature, Faculty of Literature, State University of Malang, Indonesia. **Email:** yusuf.hanafi.fs@um.ac.id

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Received: 04 July 2024 Revised: 14 July 2024 Accepted: 13 September 2024 Published: 15 October 2024 Keywords School, Teacher, Modesty, Hijab, Islamic Culture, Education, Elementary School, Phenomenology.	Objective: This study explores the perceptions of elementary school teachers regarding the challenges and opportunities for promoting Islamic culture, with an emphasis on modesty and <i>hijab</i>, in the Iranian education system during the academic year 2023–2024. Method: The study employed a qualitative phenomenological approach. Participants included all elementary school teachers in Yazd city, selected through criterion-based purposive sampling until data saturation was reached. Finally, A total of 15 teachers participated in the study. The participants were required to have at least three years of teaching experience in elementary schools and must be officially employed by the Yazd education department. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using Braun and Clarke's thematic analysis method. To achieve credibility according to the 'triangulation of data,' techniques such as peer review, member checking, and researcher self-reflection were utilized. Results: The findings were categorized into two main domains: (A) Present Challenges with the Main Themes: (1) Positive and negative effects of the type of encounter and interaction; (2) contradictions between school teachers' and religious teachers' words and actions. (B) Factors of the Neglect towards Modesty and <i>Hijab</i> Culture with Main Themes: (1) Society; (2) Poor management and insufficient governance in cyberspace; (3) Sexual and psychological factors; (4) Limited interaction between the education system and other institutions and organizations; (5) lack of awareness and knowledge; (6) Indifference among families; (7) Political and economic factors; (8) The infiltration of liberal and secular ideologies into the religious community of schools. Conclusion: Promoting the culture of modesty and <i>hijab</i> and explaining its various dimensions can shield society from these destructive challenges. The <i>Jihad</i> of Explaining <i>hijab</i> and raising people's awareness of <i>hijab</i> requires collaboration and synergy across all organizations and institutions, particularly the education system, with schools and teachers playing a central role.
Cite this article	Hassani, H., Darvish-Pour, D., & Hanafi, Y. (2024). The Trojan Horse Infantry: Gradual Infiltration of Liberal and Secular Thought into the Core of the Religious Community of Schools in Iran with an Emphasis on Modesty and Hijab. <i>Applied Issues in Islamic Education</i>, 9 (3), 7-28. http://dx.doi.org/10.61186/qaiie.9.3.5
 © The Author(s). Publisher: Academy of Scientific Studies in Education.	



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی



پژوهشگاه تعلیم و تربیت



پژوهشگاه
مطالعات آموزش و پرورش

پیاده‌نظام اسب تروآ: نفوذ آرام اندیشه‌های لیبرال و سکولاریسم در دل جامعه دینی مدارس ایران با تأکید بر عفاف و حجاب^۱

حسین حسینی^۲ | دلارام درویش‌پور^۳ | یوسف حنفی^۴

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی فرصت مطالعاتی نویسنده اول در پژوهشگاه تعلیم و تربیت اداره کل آموزش و پرورش استان یزد و مصوب دانشگاه یزد در سال ۱۴۰۳ است.

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، ایران. hassani.hossaini@yazd.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، ایران. darvishpourdelaram@gmail.com

۴. استاد، گروه ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ایالتی مالانگ، اندونزی. yusuf.hanafi.fs@um.ac.id

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی دریافت: ۱۴ تیر ۱۴۰۳ بازنگری: ۲۴ تیر ۱۴۰۳ پذیرش: ۲۳ شهریور ۱۴۰۳ انتشار: ۲۴ مهر ۱۴۰۳ کلیدواژه‌ها: مدرسه، معلم، عفاف، حجاب، فرهنگ اسلامی، آموزش و پرورش، دوره ابتدایی، پدیدارشناسی.	هدف: هدف پژوهش حاضر مطالعه ادراکات معلمان دوره ابتدایی از چالش‌ها و زمینه‌های ترویج فرهنگ اسلامی با تأکید بر عفاف و حجاب در آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. روش: پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش، شامل تمامی معلمان دوره ابتدایی شهر یزد بود. روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک محور بود و تا مرحله اشباع داده‌ها نمونه‌گیری ادامه یافت. در نهایت ۱۵ نفر از معلمان در پژوهش حاضر مشارکت داشتند. ملاک ورود، داشتن حداقل سه سال سابقه تدریس در مدارس ابتدایی و نیروی موظف و رسمی بودن آنان در آموزش و پرورش شهر یزد بود. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. با روش کیفی تحلیل مضمون براون و کلارک، شبکه مضامین واکاوی و تجزیه و تحلیل شد. برای رسیدن به قابلیت اعتبارپذیری مطابق با «سه سویه‌سازی داده‌ها»، از تکنیک‌های بررسی همکار، تطبیق توسط اعضاء و خودبازبینی پژوهش‌گر استفاده شد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش در دو حوزه احصاء و طبقه‌بندی شدند: چالش‌های موجود با مضامین اصلی: ۱- آثار مثبت و منفی نوع مواجهه و برخورد، ۲- تناقض در افعال و اقوال معلمان و مبلغان. زمینه‌های بی‌توجهی به فرهنگ حجاب و عفاف با مضامین اصلی: ۱- جامعه، ۲- بی‌مدیریتی و عدم حکمرانی فضای مجازی، ۳- زمینه‌های جنسی و روان‌شناسانه، ۴- تعامل محدود آموزش و پرورش با سایر نهادها و سازمان‌ها، ۵- شناخت و آگاهی، ۶- خانواده‌های بی‌اعتنا، ۷- زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، ۸- نفوذ اندیشه‌های لیبرال و سکولار در متن جامعه دینی مدارس. نتیجه‌گیری: در نتیجه ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و تبیین ابعاد مختلف آن می‌تواند جامعه را از این آسیب‌های شوم مصون داشته و حفظ کند. جهاد تبیین مسئله حجاب و همچنین فرهنگ سازی آن نیازمند همکاری و هم‌افزایی همه ارگان‌ها و نهادها مخصوصاً آموزش و پرورش و در رأس آن مدارس و معلمان است.

حسینی، حسین، درویش‌پور، دلارام، و حنفی، یوسف (۱۴۰۳). پیاده‌نظام اسب تروآ: نفوذ آرام اندیشه‌های لیبرال و سکولاریسم در دل جامعه دینی مدارس ایران با تأکید بر عفاف و حجاب. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۹ (۳)، ۲۸-۷.

<http://dx.doi.org/10.61186/qaiie.9.3.5>



© نویسندگان.

ناشر: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

استناد

مقدمه

قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها (روسی‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این‌کار برای این‌که از کنیزان و آلودگان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده خداوند همواره غفور و رحیم است» (احزاب، ۵۹). اقامه حجاب یکی از مصادیق اقامه دین و از اهم وظایف حکومت اسلامی است (امین و نعیمی، ۱۴۰۲). عرصه‌ای که در چند سال اخیر دشمن به‌شدت بر آن دست گذاشته و سعی در تعریف دین اسلام و تغییر فرهنگی در ایران دارد؛ بنابراین با رویکرد جهاد تبیین باید به مقابله با دسیسه‌های دشمن در این زمینه پرداخت. گنجاندن مفهوم تبیین در تعلیم و تربیت می‌تواند از طریق آموزش تحول‌آفرین مبتنی بر رابطه دوسویه بین مربی و فراگیر انجام شود (دسای و وین^۱، ۲۰۲۲). با تبیین و معنویت‌گرایی در محیط کار، عملکرد دانشکده‌های آموزش عالی می‌تواند به‌طور مثبت و قابل‌توجهی تحت‌تأثیر قرار گیرد (ساپرا، خوسلا و دانگراکوتی^۲، ۲۰۲۱). مسئله روشن‌گری در مورد نوع پوشش، چنان اهمیتی دارد که صبغه دینی به خود می‌گیرد و می‌توان با عنایت به آن، نگرش فکری و اعتقادی افراد و گروه‌ها را تعیین نمود. لباس پوشیدن و تهیه پوشش مناسب یکی از خصیصه‌ها و نماد برتری‌های انسان است. از آن‌جاکه بانوان، نقشی مهم در روابط گوناگون هر جامعه ایفاء می‌کنند و تمامی برنامه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با حمایت و پشتیبانی آنان به نتیجه مطلوب خواهد رسید، انتخاب نوع پوشش آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است (هندرست و کریم‌آبادی، ۱۴۰۲).

در این راستا، یکی از بزرگ‌ترین معضلات کشور ما طی سالیان گذشته کم‌رنگ‌شدن تدریجی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه بوده است. در چند سال اخیر، این معضل و رفع آن، به یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان فرهنگی کشور تبدیل شده است (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۱) در واقع این مشکل از آن جا ناشی می‌شود که «معروف»‌ها در جامعه ما فرایند نهادینه‌شدن را به‌درستی طی نکرده‌اند و به همین دلیل اکنون شاهد بازگشت مجدد به برخی «منکر»ات از جمله پدیده بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه هستیم. علت این مسئله را می‌توان فقدان نگاه راهبردی و روش‌مند به نهادینه‌کردن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه دانست (مختاریان‌پور و گنجعلی، ۱۳۹۰). در همین خصوص باید به نقش مدرسه و جایگاه معلمان در این زمینه بیش‌ازپیش توجه نمود. بر اساس اسناد بالادستی از جمله برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، یکی از اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تربیت انسان‌هایی با ویژگی‌هایی هم‌چون مؤمن و متخلق به اخلاق اسلامی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد (رحمانی و زاهدی وفا و یزدی‌زاده، ۱۴۰۱). حیات طیبه به‌عنوان آرمان تعلیم و تربیت تمام‌ساحتی، مستلزم نگاه ویژه به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است. مدرسه و برنامه درسی مهم‌ترین مرکز رویش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است. اگرچه مسئله حجاب و عفاف به‌ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، اما مرزهای دینی و فرهنگی آن یکی از مباحث مهم در حوزه مطالعات فرهنگ دینی و اجتماعی است. مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند (بهرامی، ۱۴۰۲). گسترش فرهنگ اسلامی در

آموزش و پرورش از جمله موضوعات مهم و حیاتی است که به تربیت نسل آینده کمک می‌کند و به انسجام اجتماعی و تقویت هویت ملی و دینی جامعه نیز می‌انجامد. در این راستا، موضوع حجاب و عفاف به عنوان یک رکن اساسی فرهنگی و اعتقادی، نیاز به تأکید و توجه ویژه دارد. به طور کلی، مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم را تشکیل می‌دهد. توصیه، بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند. معرفت به حجاب، ضامن اجرا و دوام آن است. آن گاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید، رسمیت علمی پیدا می‌کند.

پژوهش حاضر به توسعه دانش نظری، مفاهیم و سازه‌های نظری در حوزه آموزش و تبیین فرهنگ حجاب و عفاف کمک خواهد کرد. در واقع پژوهش حاضر تلاش دارد افق‌های نظری پیرامون مفهوم حجاب و عفاف و آموزش آن را توسعه و مورد کنکاش دقیق قرار دهد. هم‌چنین پژوهش حاضر به لحاظ «کاربردی» دارای اهمیت است. اهمیت آن به این دلیل است که مفهوم حجاب که یکی از مهم‌ترین مسائل و نمود فرهنگی و دینی در جوامع اسلامی، به شمار می‌رود، در جامعه ایران به مرور زمان و تحت شرایط فرهنگی و اجتماعی متأثر از فرهنگ جهان غرب و چالش‌های فضای مجازی دست‌خوش تغییراتی شده است و در این بین نقش تأثیرپذیری نسل جوان و نوجوانان کشور، از فرهنگ جوامع غربی بیش‌تر بوده است. هم‌چنین بر همگان روشن است که توجه به مسائل حجاب هم از نظر شرعی، هم قانونی و هم اجتماعی، اثرات مثبت فراوانی دارد و باید در نظر داشت که در پی عدم رعایت حجاب، جامعه شاهد آسیب‌های اجتماعی فراوانی برای عموم افراد و بخصوص برای دختران جوان و نوجوان خواهد بود؛ بنابراین اثرات پژوهش در این زمینه، می‌تواند آثار و پیامدهای جهاد تبیین را در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف بیش‌تر نمایان کند و این موضوع می‌تواند برای معلمان کاربرد داشته باشد. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به معلمان، والدین، دانش‌آموزان و دانشجویان، رسانه آموزشی، برنامه‌ریزان و مؤلفان برنامه درسی کمک می‌کند یافته‌های پژوهش حاضر برای کارکنان مدارس و وزارت آموزش و پرورش اعم از مدیران، معاونان آموزشی و پرورشی و معلمان، دبیران و نیز والدین و دانش‌آموزان و کارشناسان آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مفید خواهد بود. مطالعه نتایج پژوهش حاضر، مجریان را در اجرای بهتر مسئولیت‌هایشان یاری می‌دهد و ضمن آشنایی و ادراک بهتر از فرهنگ و فلسفه حجاب و عفاف؛ نیازها، مزایا، محدودیت‌ها و موانع اجرایی پیش روی معلمان را متوجه می‌سازد. هم‌چنین اطلاعات دریافتی، راه کارهایی را به ارمغان خواهد آورد که سبب درک بهتر نقش معلمان در ترویج و بیان فلسفه حجاب و عفاف می‌گردد. موضوع حجاب از جمله موضوعات پر دامنه‌ای است که به دلیل تأثیرات همه‌جانبه بر فرهنگ جوامع، مورد توجه پژوهش‌گران بسیاری قرار گرفته است؛ اما مروری بر ادبیات پژوهشی و نظری در این حوزه نشان می‌دهد در بحث حجاب، خلاءها و شکاف‌های مطالعاتی متعددی وجود دارد که نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. یکی از این خلاءها عدم توجه به صداهای مختلف، به ویژه نظرات و تجربیات معلمان در این زمینه است. معلمان به افرادی که به طور مستقیم با دانش‌آموزان در ارتباط هستند، می‌توانند دیدگاه‌های ارزشمندی درباره تأثیر حجاب بر رفتار و نگرش‌های دانش‌آموزان ارائه دهند؛ از این رو

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که انگاره‌های ذهنی معلمان دوره ابتدایی از چالش‌ها و زمینه‌های ترویج فرهنگ اسلامی عفاف و حجاب در آموزش و پرورش چگونه است؟

پیشینه پژوهش

بهرامی (۱۴۰۲)، در پژوهشی دریافت که مواجهه با چالش کشف حجاب دانش‌آموزان در مسیر مدرسه مستلزم تغییر نوع نگاه دستگاه‌های اجرایی به مقوله حجاب است و باید از مواضع برخورد‌های سطحی و شتاب‌زده دوری نموده و مسیر تبیین و روشن‌گری را جایگزین ساخت. ذوالفقاری، ستاری و بناهان قمی (۱۴۰۲)، نیز در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که از منظر تربیت اسلامی، دستور مستقیم به رعایت حجاب بدون پرورش بُعد فطری حیا که از دوران کودکی صورت می‌گیرد، نوعی شتاب‌زدگی در تربیت به حساب می‌آید. نتایج پژوهش امینی زرین و ربانی (۱۴۰۲)، نیز نشان می‌دهد که آسیب‌شناسی مفهوم عفاف و حجاب از آسیب‌های آموزشی-درسی، عرفی-اجتماعی، پرورشی-تربیتی، روانی-عاطفی، حاکمیتی-قانونی، فرهنگی-هویتی و فلسفی-اعتقادی است. بر اساس یافته‌های پژوهش امین و داوودی (۱۴۰۲)، نیز می‌توان اذعان کرد که گفتمان رهبر انقلاب با شاخص‌های «تبیین فکری و فرهنگی در مدیریت حجاب»، «مراقبت از توطئه دشمن در مساله حجاب»، «نفی انفعال در مقابل هجوم تبلیغاتی غرب»، «لزوم تبیین جایگاه حجاب در تعالی و رشد اجتماعی زنان»، «الگوسازی» و «نهی از منکر بر مبنای مدارا و منطق» یک برساخته معنایی را تولید کرده که با در نظر داشت آن‌ها می‌توان در عین حفظ هژمونی انقلاب، راه برون‌رفتی برای مشکل بی‌حجابی و بدحجابی پیدا کرد. سعیدی رضوانی و غلامی (۱۴۰۲)، در پژوهشی با بررسی دیدگاه‌های دختران مقطع ابتدایی، مشوق‌های رعایت حجاب را قوت اعتقادی، قوت الگویی اخلاقی، قوت روانی هیجانی، آگاهی اجتماعی و استواری و بالندگی معرفی می‌کنند و ضعف فردی انگیزشی، میل به خودنمایی، ضعف اعتقادی، ضعف دانشی بینشی و تهدیدات خانوادگی اجتماعی را نیز مصدع‌های رعایت حجاب معرفی می‌کنند. کریمی و طالبی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «جستاری بر تجارب زیسته دانش‌آموزان از حدود حجاب اسلامی» نشان می‌دهند که در تجربه زیسته دانش‌آموزان حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی‌شود؛ عفاف و حجاب در نگاه، گفتار، رفتار و پوشش مطرح است. همچنین از تجربه دانش‌آموزان برداشت‌های متفاوت، تجربه گذشته فرد، وابستگی به محیط، تبعیت از زمانه، فضای مجازی، اعتقادات دانش‌آموزان در فهم حدود حجاب مؤثر است. دالیمونته، پالاسادکا، مودا، منوهارمایوم و شاه و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «چالش‌های تربیت اسلامی در عصر جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات» اظهار می‌دارد اثربخشی آموزه‌های دینی (قرآن، سنت و احادیث) به‌عنوان بهترین منابع تربیت اسلامی است که می‌تواند در سیاست‌گذاری فرهنگی فضای مجازی و ارتقای سطح آگاهی خانواده‌ها و افراد در شناخت و آگاهی از آن استفاده شود. پیامدهای مختلف شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی به‌عنوان پدیده‌ای جدید در جوامع اسلامی همگام با سایر جوامع در حال گسترش است. کوین، گال، راسموسن، بتمن و گریفین^۲ (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «باورها، اعمال یا فرهنگ؟ مطالعه ترکیبی دین و احترام به بدن» اظهار می‌دارد که دین‌داری اغلب احترام بهتری

را برای بدن پیش بینی می‌کند و درک آموزه‌های دینی تأثیر ثابت و مثبتی بر احترام بدن دارد. چاکسن^۱ و چاکسن (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «محافظت حجاب از دختران و زنان نوجوان در برابر آزار و اذیت جنسی» اظهار می‌دارد با اینکه چندین برنامه مبتنی بر مدرسه برای جلوگیری از آزار جنسی دختران نوجوان در بسیاری از نقاط جهان انجام شده است، با این حال، آن‌ها اغلب فاقد یک رویکرد مبتنی بر شواهد یا فرضیه‌های قابل آزمون هستند. اما حجاب در محافظت از دختران نوجوان در برابر آزار و اذیت جنسی مهم است و پیشنهاد می‌کند که برنامه‌های مبتنی بر مدرسه شامل اعمال حجاب، برای جلوگیری از آزار جنسی دختران نوجوان، صرف‌نظر از اعتقادات مذهبی، فرهنگ و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان، تدوین شود. مارتین و کلیولند^۲ (۲۰۲۴)، در پژوهشی نشان دادند که جوامع دینی نقشی حیاتی در شکل‌دهی ارزش‌هایی ایفاء می‌کنند که به نوجوانان و جوانان در نسبت‌دادن معنا به برخوردهای روزانه‌شان کمک می‌کند و در نتیجه بر نتایج رفتاری، آموزشی و روان‌شناختی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مذهب و معنویت و همین‌طور رعایت حجاب و پوشش اسلامی می‌توانند مستقیماً رفتارهای منفی مانند شروع زود هنگام فعالیت‌های جنسی را کنترل کنند. مینز و رزمارین^۳ (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای تأثیر مؤلفه‌های مختلف معنویت و دین از جمله باور دینی، اعتقاد به خدا و رفتارهای مذهبی مانند رعایت پوشش و حضور در اماکن مذهبی بر سلامت روان را نشان دادند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر حسب رویکرد، کیفی و بر حسب هدف، کاربردی است. روش پژوهش، پدیدارشناسی است. مطابق با چک‌لیست (معیارهای استحکام‌بخشی برای گزارش پژوهش‌های کیفی)^۴ تونگ، سینسبوری و کریگ^۵ (۲۰۰۷)، شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل تمامی معلمان دوره ابتدایی شهر یزد بود که در مسئولیت‌های گوناگون، پایه‌های مختلف تحصیلی، در مدارس دخترانه و پسرانه با سوابق تحصیلی، آموزشی و پژوهشی و فرهنگی متنوع در تعامل با دانش‌آموزان بودند. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک محور ۱۵ نفر از معلمان در پژوهش حاضر مشارکت داشتند. نمونه‌گیری تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت. ملاک ورود، آن دسته از فرهنگیان (معلمان، مدیران، معاونان) بودند که در زمینه چالش‌ها و اثرات آموزشی، تربیتی و فرهنگی رعایت حجاب و عفاف در جامعه و مدارس اطلاعات کافی دارند و حداقل ۳ سال سابقه تدریس در مدارس ابتدایی داشته باشند و از نیروهای موظف و رسمی آموزش و پرورش شهر یزد نیز باشند. اطلاعات جمعیت‌شناسانه شرکت‌کنندگان در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناسانه شرکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	کد	جنسیت	سن	وضعیت تأهل	تعداد فرزندان	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	پایه مورد تدریس	سابقه (سال)
۱	A	زن	۳۶	متاهل	۲	کارشناسی	روان‌شناسی	سوم	۳
۲	B	زن	۴۴	متاهل	۲	کارشناسی‌ارشد	علوم تربیتی	دوم	۱۵
۳	C	زن	۲۷	متاهل	۱	کارشناسی	علوم تربیتی	پنجم	۵

۱. Çaksen
۲. Martin & Cleveland
۳. Rosmarin & Minns

۴. Consolidated criteria for reporting qualitative research (COREQ)
۵. Tong, Sainsbury & Craig

ردیف	کد	جنسیت	سن	وضعیت تأهل	تعداد فرزندان	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	پایه مورد تدریس	سابقه (سال)
۴	D	زن	۵۰	متاهل	۲	کارشناسی	علوم تربیتی	پنجم	۲۷
۵	E	زن	۳۴	متاهل	۱	کارشناسی	علوم تربیتی	سوم	۱۰
۶	F	مرد	۳۰	متاهل	۱	کارشناسی ارشد	برنامه ریزی درسی	ششم	۶
۷	G	مرد	۳۹	متاهل	۲	کارشناسی ارشد	روانشناسی	دوم	۱۲
۸	H	زن	۲۹	متاهل	۲	کارشناسی ارشد	روانشناسی تربیتی	سوم	۴
۹	I	زن	۳۵	متاهل	۲	کارشناسی ارشد	برنامه ریزی درسی	اول	۷
۱۰	J	زن	۳۳	متاهل	۲	کارشناسی ارشد	تحقیقات آموزشی	چهارم	۱۰
۱۱	K	مرد	۳۲	متاهل	۱	کارشناسی	روانشناسی	چهارم	۸
۱۲	L	مرد	۲۸	متاهل	۱	کارشناسی	علوم تربیتی	ششم	۵
۱۳	M	زن	۳۴	متاهل	۱	کارشناسی	علوم تربیتی	اول	۵
۱۴	N	زن	۳۴	متاهل	۲	کارشناسی	علوم تربیتی	ششم	۶
۱۵	O	زن	۳۴	متاهل	۱	کارشناسی	روانشناسی	ششم	۸

ابزار پژوهش «مصاحبه نیمه ساختاریافته» بود. مصاحبه با افراد به صورت رودرو و فردی انجام شد. ده مورد از مصاحبه‌ها در محل پژوهشکده تعلیم و تربیت استان یزد و مابقی مصاحبه‌ها در محل اشتغال مصاحبه‌شوندگان (در مدارس) انجام شد. پرسش‌های مصاحبه، بر اساس یک پیشینه قوی از پژوهش‌های قبلی شکل گرفتند. پرسش‌ها به گونه‌ای تنظیم شدند که بتوانند زوایای مختلف این تأثیر را مورد تحلیل قرار دهند و به فرایندهای ترویج فرهنگ اسلامی حجاب و عفاف در فضاهای آموزشی و چالش‌های موجود در این راستا بپردازند. در طراحی پرسش‌های مصاحبه، دیدگاه دو نفر از اساتید متخصص دانشگاهی نیز لحاظ شد. پرسش‌های مصاحبه را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد: برخی پرسش‌های عمومی به بررسی نقش و جایگاه عمومی معلمان در برنامه‌های درسی و تأثیر آن‌ها بر آموزش فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌پرداختند. به عنوان مثال، پرسش‌ها در این زمینه شامل بررسی نقش معلمان در ترویج عفاف و حجاب و چالش‌هایی هستند که با آن‌ها مواجه‌اند. برخی دیگر از پرسش‌های خاص در زمینه عفاف و حجاب بودند. پرسش‌ها به طور مشخص به زوایای مختلف تأثیر عفاف و حجاب در فرآیند آموزشی می‌پرداختند. از جمله این پرسش‌ها می‌توان به تجربیات معلمان از حضور دانش‌آموزان با حجاب یا بی‌حجاب، چالش‌های موجود و نحوه برخورد آنان با این دانش‌آموزان اشاره کرد. برخی دیگر از پرسش‌ها مربوط به تأثیرات فرهنگی بودند. در این پژوهش، به منظور رعایت مسائل اخلاقی، نام و مشخصات مصاحبه‌شوندگان ذکر نشد. پرسش‌های مصاحبه با تمرکز بر نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی و عفاف و حجاب طراحی شد. هر مصاحبه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید و پس از جلب موافقت شفاهی، ضبط و پیاده‌سازی شد. متن مصاحبه‌ها با رعایت لحن مصاحبه‌شوندگان و علائم نگارشی تایپ و سپس برای تأیید به آن‌ها ارجاع داده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری تجزیه و تحلیل شدند. روش شش مرحله‌ای تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ (۲۰۱۳)، یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و بررسی متون به صورت منظم و سلسله‌مراتبی به منظور استخراج کد است. این روش به پژوهش‌گران کمک می‌کند تا از داده‌های کیفی به درک عمیق‌تری برسند و از سوگیری جلوگیری کنند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

برای رسیدن به قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری) از توسعه و توصیف غنی از مجموعه داده‌های مطالعه موردنظر در طول مرحله گردآوری داده‌ها و از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادها، نشانه‌ها استفاده شد. بر اساس تکنیک‌های «سه‌سویه‌سازی داده‌ها»، برای رسیدن به قابلیت اعتبار یا همان اعتبارپذیری از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی نظیر نمایش و ارائه تحلیل‌های داده و نتایج آن به متخصصان امر (تکنیک بررسی همکار) استفاده شد (کرسول و میلر^۱، ۲۰۰۰: ۱۲۷-۱۲۵)؛ در این پژوهش، دو استاد کدهای استخراج‌شده را بررسی و نظرات آن‌ها در تدوین الگوی نهایی به کار گرفته شد. مدل پارادایمی با داده‌ها و مدل‌های قبلی مقایسه و تنظیم مجدد شد. از تکنیک تطبیق اعضاء برای دریافت واکنش‌های مشارکت‌کنندگان استفاده شد و ۳ نفر از آن‌ها گزارش نهایی را بازبینی کردند. خودبازبینی پژوهش‌گر و نگهداری داده‌های خام برای تأییدپذیری انجام شد. اعتبار سازه‌ای با ارزیابی مجدد برنامه مصاحبه بررسی شد و نتایج تحلیل توسط یک همکار دانشگاهی نیز مورد بررسی قرار گرفت. برای اطمینان از پایایی، فرآیندها و مستندات کافی در نظر گرفته شد تا خطاها کاهش یابد.

ملاحظات اخلاقی: پروپوزال این تحقیق نیز توسط کمیته اخلاق دانشگاه یزد تأیید شد (کد اخلاق: IR.YAZD.REC.1403.082)

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد بررسی در این پژوهش را ۲۶/۶۷ درصد مردان و ۷۳/۳۳ درصد معلمان زن تشکیل دادند. از نظر سنی، کم‌ترین سن ۲۷ و بیش‌ترین سن ۵۰ سال بود. از نظر تحصیلات، ۶۰ درصد تحصیلات کارشناسی و ۴۰ درصد با تحصیلات کارشناسی‌ارشد بودند. مطابق با روش براون و کلارک برای تحلیل مضمون که شامل شش مرحله است، در اولین گام، از طریق خواندن متن مصاحبه‌ها و دوباره خوانی متن‌ها درک عمیق‌تری از داده‌ها حاصل شد. در این مرحله، داده‌های متنی مرتبط با واژه‌های وابسته مانند حجاب و عفاف مورد بررسی قرار گرفتند. سپس در مرحله کدگذاری، عبارات معنادار انتخاب و داده‌ها به گروه‌های مرتبط تقسیم شدند. در ادامه، مضامین ایجاد شدند که ترکیبی از کدها برای شناسایی الگوهای معنایی بودند. پس از آن، تم‌ها بررسی شدند تا تناسب آن‌ها با داده‌ها ارزیابی شود. در مرحله بعد، تم‌ها تعریف شدند و ماهیت هر تم و ارتباط آن با دیگر تم‌ها مشخص شد. در نهایت، گزارشی نهایی بر اساس مضامین شناسایی‌شده نوشته شد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). با تحلیل دیدگاه‌ها و تجارب معلمان، برجسته‌ترین مضامین وابسته بافهم دیدگاه معلمان از چالش‌های ترویج فرهنگ اسلامی به‌ویژه در ترویج حجاب و عفاف در ۲ مضمون اصلی و ۳ مضمون فرعی استخراج شد که در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: برجسته‌ترین مضامین استخراج شده از فهم دیدگاه معلمان پیرامون چالش‌های ترویج فرهنگ اسلامی با تأکید بر حجاب و

عفاف

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه مفاهیم
	مواجهه مبتنی بر تنبیه و مجازات	برخوردهای شدید (G6)؛ شیوه‌های تنبیهی سلبی و اجبارگونه (F11)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه مفاهیم
آثار مثبت و منفی نوع مواجهه و برخورد	مواجهه مبتنی بر اقناع و گفت‌وگو	گفت‌وشنود دبیران تخصصی دروس غیرمرتبط با مباحث فرهنگی پیرامون اعتقادات و باورهای دانش‌آموزان (B2)؛ مواجهه مبتنی بر رعایت قانون اجتماعی (I11)
تناقض در افعال و اقوال معلمان و مبلغان	سوءرفتار عاملان و آمران به معروف	عامل نبودن فرد به عقیده و نظر اعلام شده (B5)؛ اشتباهات و عملکرد منفی در رفتار برخی مبلغان دینی (J6)؛ بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی برخی معلمان به مسائل مذهبی و حجاب (J2)؛ نوع رفتار عاملان و آمران معروف به همان معروف (K9)؛ تناقض فعل با گفتار و شعار (I8)؛ عامل و آمر بی‌عمل (A11)؛ نیروی انسانی (J3)؛ الگوهای رفتاری معلمان و مربیان (A5)

۱- آثار مثبت و منفی نوع مواجهه و برخورد

دو رویکرد اصلی در زمینه نوع مواجهه و برخورد با موضوع حجاب در بین دانش‌آموزان وجود دارد: یکی مبتنی بر مجازات و تنبیه و دیگری مبتنی بر اقناع و گفت‌وگو. نوع برخورد با موضوع حجاب بر روی رفتار فردی دانش‌آموزان تأثیرگذار است و می‌تواند فرهنگ کلی مدرسه را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد.

۱-۱- مواجهه مبتنی بر تنبیه و مجازات

در رویکرد تنبیه و مجازات، دانش‌آموزان ممکن است به دلیل ترس از عواقب آن، حجاب را رعایت کنند. اما این روش معمولاً موقت و منجر به نارضایتی و مقاومت می‌شود. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «من متوجه شدم که وقتی بچه‌ها را تهدید می‌کنیم تا حجاب را رعایت کنند، فقط برای فرار از تنبیه این کار را انجام می‌دهند. هیچ‌وقت نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این روش‌ها مؤثر باشند» (کد E).

۱-۲- مواجهه مبتنی بر اقناع و گفت‌وگو

رویکرد اقناع و گفت‌وگو می‌تواند تأثیرات مثبت‌تری داشته باشد. در این روش، معلمان با استفاده از بحث‌های منطقی و ارائه دلایل قانع‌کننده، سعی می‌کنند تا دانش‌آموزان را به سمت پذیرش حجاب سوق دهند. این نوع تعامل باعث افزایش آگاهی و فهم دانش‌آموزان نسبت به مفهوم حجاب می‌شود تا با حس مسئولیت‌پذیری و با انتخابی آگاهانه حجاب را برگزینند. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «ما باید به بچه‌ها نشان دهیم که رعایت حجاب یک قانون نیست و بخشی از هویت ماست. اگر بتوانیم این ارتباط را برقرار کنیم، تأثیر بیش‌تری خواهیم داشت» (کد F).

۲- تناقض در افعال و اقوال معلمان و مبلغان

زمانی که معلمان یا مبلغان به اصولی که خودشان تبلیغ می‌کنند عمل نمی‌کنند، این تناقض می‌تواند باعث بی‌اعتمادی و بی‌میلی دانش‌آموزان به رعایت حجاب شود. دانش‌آموزان اگر ببینند که کسی که باید الگوی آن‌ها باشد، در عمل با آن‌چه می‌گوید هم‌خوانی ندارد، احساس سردرگمی و نارضایتی خواهند کرد. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «وقتی خودم توی مدرسه با لباس غیرمتعارف ظاهر می‌شم، واقعاً نمی‌دونم چه پیامی رو منتقل می‌کنم» (کد C).

۱-۲- سوءرفتار عاملان و آمران به معروف

سوءرفتار آمران به معروف می‌تواند باعث بدبینی دانش‌آموزان به رعایت حجاب شود. اگر این افراد به اصول خود عمل نکنند، دانش‌آموزان ممکن است احساس کنند که هدف آن‌ها تنها کنترل دیگران است و از اصول کناره‌گیری کنند. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «وقتی بعضی از آمران به معروف با لحن تند و بی‌احترامی برخورد می‌کنن، بچه‌ها دیگه هیچ تمایلی برای گوش دادن ندارن» (کد J).

با تحلیل دیدگاه‌ها و تجارب معلمان، برجسته‌ترین مضامین وابسته با فهم دیدگاه معلمان از زمینه‌های ترویج فرهنگ اسلامی به‌ویژه ترویج حجاب و عفاف در ۸ مضمون اصلی و ۱۴ مضمون فرعی استخراج شد که در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: برجسته‌ترین مضامین استخراج شده از فهم دیدگاه معلمان پیرامون زمینه‌های ترویج فرهنگ اسلامی با تأکید بر حجاب و عفاف

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه مفاهیم
جامعه	زمینه‌های اجتماعی	تلقی قوانین اجتماعی به‌عنوان مفاهیم قدیمی و منسوخ (B16)؛ ترویج آداب و رسوم فرهنگی از سوی آموزش و پرورش (F6)؛ فاصله‌گرفتن از سنت‌های پیشینیان (F5)؛ فقر آگاهی تاریخی (E8)؛ الگوگیری از افراد جامعه (C10)؛ عدم مطالعه و آگاهی از پیشینه ملی (G4)
	فشار گروه هم‌سالان	مشاهده دوستان خود با بی‌حجابی و آرایش‌های غلیظ (B13)؛ تأثیرپذیری از دوستان و هم‌کلاسی‌ها (C2)؛ احساس تعلق بیش‌تری به گروه‌های دوستانه (K8)؛ کسب مقبولیت و پذیرش از سوی دوستان (D2)؛ تأیید تیم دوستی برای ورود به گروه (F10)؛
بی‌مدیریتی و عدم حکمرانی فضای مجازی	نبود سواد رسانه‌ای	زمینه‌های متأثر از رشد فناوری و ارتباطات مجازی جهانی (L10)؛ بی‌مدیریتی در فضای مجازی (F4)؛ رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات (E7)؛ استفاده بی‌رویه از رسانه‌های و فضای مجازی (H4)؛ ابزار مهم رسانه در شکل‌گیری باورهای مذهبی (F2)؛ تأثیرات منفی رسانه‌ها و فضای مجازی (C7)
	تقلید ناآگاهانه از حجاب استایل‌ها، ولاگرها و بلاگرها، واینرها و اینفلوئنسرها	تأثیرپذیری از اینفلوئنسرها (سلبریتی‌های شبکه‌های مجازی) (C11)؛ نقش سلبریتی‌های علمی، مذهبی، ورزشی، هنری (M10)؛ تأثیر معکوس حجاب استایل‌ها (B11)؛ دنبال کردن ولاگرها و بلاگرها (تولیدکنندگان محتوای ویدئویی، متنی و تصویری) (B15)؛ الگوگیری و تقلید از سلبریتی‌های فضای مجازی (A10)؛ پیگیری محتواهای طنز سرگرم‌کننده و ویدئوهای تولید شده توسط واینرها در شبکه‌های اجتماعی مثل یوتیوب و اینستاگرام (F3)
زمینه‌های جنسی و روان‌شناسانه	هویت‌یابی و جست‌وجوی تیپ شخصیتی و ظاهری	بحران هویتی دانش‌آموزان (M7)؛ سردرگمی در باورهای دینی دانش‌آموزان (B17)؛ هویت دینی و افتخار به آن (C9)
	خودنمایی و گرایش‌های جنسی	میل به ابراز خود (H11)؛ بحران یا گرایش‌ها جنسیتی دانش‌آموزان (B4)؛ عادی شدن استفاده از وسایل آرایشی بزرگسالان توسط دانش‌آموزان کم‌سن‌وسال (G11)
تعامل محدود آموزش و پرورش با سایر نهادها و سازمان‌ها	ارتباط و تعامل محدود آموزش و پرورش با حوزه و دانشگاه	کوتاهی برخی از مروجان دینی (I5)؛ نقش دانشگاه در آموزش باورهای دینی به دانش‌آموزان (N1)؛ عدم اقبال مدارس و مدیران به حضور طلاب و روحانیون در مدارس (F11)
شناخت و آگاهی	تعقل و اندیشه‌ورزی	عدم تفکر و اندیشه‌ورزی (H10)؛ ناآگاهی و خودکم‌بینی برخی افراد (G5)
	باورها و نگرش‌ها	تسری دادن پیشرفت‌های علمی و فناورانه و سطح زندگی و رفاه افراد به عقاید مذهبی (L5)؛ طرز تلقی ناآگاهانه از بی‌منزلیت افراد باحجاب (I10)؛ اعتقاد و باور به جایگاه اجتماعی پایین افراد باحجاب (I7)؛ باور به عفاف و حجاب فرا دینی (L3)؛ فرهنگ محلی و تأثیر آن بر نگرش‌ها (L1)؛

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه مفاهیم
		فرهنگ بومی و ملی معتقد به عفاف حجاب (L2)؛ تلقی افراد بی حجاب به عنوان افراد باکلاس و با سواد و متمدن (G9)؛ همجواری و همایندی پیش فرض های ذهنی پیرامون ارتباط قدرت و ثروت بی دینی و بی حجابی و بالعکس (M8)؛ همایندی ساده زیستی با اصل حجاب و دین داری (I6)؛ تلقی افراد بی حجاب به عنوان افراد متمدن (A4)
خانواده های بی اعتنا	بی تفاوتی و مخالفت خانواده ها به ویژه مادران با دین و مذهب	غفلت خانواده ها از تربیت صحیح فرزندان (N2)؛ ضعف آموزش ها و تربیت خانواده (E9)؛ ارتباط نزدیک تر با خانواده ها و جامعه (H2)؛ نقش خانواده در شکل گیری عقاید دینی (O1)
زمینه های سیاسی و اقتصادی	مخالفت با ارتباط دین با سیاست	بدبینی نسبت به دین به جهت ارتباط آن با سیاست (O2)؛ ابراز بیزاری از عقاید سیاسی (B1)؛
	لجاجت های سیاسی و حزبی	فرار از نمادهای دینی و مذهبی در پوشش ظاهری (C3)؛ تعمیم عمل برخی مفسدان اقتصادی و اخلاقی با عقاید اسلام (B3)؛ نقش نگرش سیاسی خانواده (B9)
	انتقاد خانواده ها نسبت به اوضاع و احوال اقتصادی	وضعیت معیشت و اوضاع و احوال اقتصادی کشور (A8)؛ فشارهای اقتصادی (G7)
نفوذ اندیشه های لیبرال و سکولار در متن جامعه دینی مدارس	اسب تروا	بی اعتنایی به ریشه ها و باورهای گذشتگان (M9)؛ پیاده شدن سناریوی اسب تروا در مقوله حجاب و عفاف (A3)؛ تعاملات و رفت و آمدهای مردم با سایر جوامع غربی و سکولار (B14)

۱- جامعه

وضعیت جامعه تأثیر شگرفی بر رفتار و نگرش دانش آموزان دارد. رسانه ها می توانند بی حجابی را ترویج کنند و دانش آموزان را به پذیرش پوشش های غیرمتعارف سوق دهند. تنزل ارزش های فرهنگی سنتی و فشار هم سالان نیز باعث می شود که نسل جوان به انتخاب های پوششی همخوان با الگوهای اجتماعی روز روی آورد.

۱-۱- زمینه های اجتماعی

مشاهده و لنگاری و برهنگی زنان در اماکن عمومی می تواند بر دانش آموزان تأثیر بگذارد. این پدیده، به ویژه در دوران نوجوانی، می تواند باوری را شکل دهد که در آن زیبایی و آرایش به عنوان ارزش اجتماعی تلقی می شود. مصاحبه شونده ای می گوید: «وقتی دانش آموزان در سواحل شمالی و جنوبی کشور زنانی را می بینند که با لباس های بسیار نازک، تنگ و چسبان، پاره، کوتاه و آرایش های غلیظ در حال تفریح هستند، تحت تأثیر قرار می گیرند و ممکن است بخواهند شبیه آن ها شوند» (کد K).

۱-۲- فشار گروه هم سالان

گروه هم سالان به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش بسزایی در شکل گیری نگرش ها و رفتارهای فردی دارد. اگر در یک گروه، بی حجابی و آرایش های غلیظ به عنوان یک رفتار عادی و پذیرفته شده تلقی شود، دانش آموزان ممکن است برای جلب توجه و پذیرش از سوی هم سالان خود، به این رفتارها روی آورند. مصاحبه شونده ای می گوید: «ما در کلاس شاهد هستیم که برخی از دانش آموزان به دلیل فشار هم سالان، به سمت پوشش های غیرمتعارف می روند و این موضوع نگران کننده است» (کد M).

۲- بی‌مدیریتی و عدم حکمرانی فضای مجازی

بی‌مدیریتی فضای مجازی می‌تواند به گسترش بی‌حجابی در بین دانش‌آموزان منجر شود. نبود نظارت بر محتوا باعث مواجهه مکرر با سبک‌های زندگی غیرمتعارف می‌شود. هم‌چنین، فضای مجازی بستر تبادل نظرات است که می‌تواند فشار اجتماعی را افزایش دهد و دانش‌آموزان را به رفتارهای غیرمتعارف سوق دهد. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «وقتی دانش‌آموزان در فضای مجازی با تصاویری از زندگی‌های بی‌حجاب و بی‌قیدوبند مواجه می‌شوند، به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و ممکن است فکر کنند که این رفتارها عادی و قابل قبول است» (کد M).

۲-۱- نبود سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای در دوران نوجوانی نقش به‌سزایی دارد. دانش‌آموزان برای شکل‌دهی به هویت خود به الگوهای فضای مجازی رجوع می‌کنند. رسانه‌ها سبک‌های زندگی و پوشش‌هایی را ترویج می‌دهند که با ارزش‌های دینی و فرهنگی سنتی در تضاد است. این محتواها تأثیر شگرفی بر نگرش‌های دانش‌آموزان دارند. یکی از معلمان می‌گوید: «بچه‌ها دائم در حال مقایسه خودشون با تصاویر و آدم‌هایی هستن که توی شبکه‌های اجتماعی می‌بینن. اونایی که بیش‌تر به ظاهرشون می‌رسن و بدون حجاب هستن، بیش‌تر تو مدرسه هم الگوشون می‌شه. دیگه حجاب واسشون یه ارزش نیست، چیزی که دیده بشن براشون مهمه» (کد F).

۲-۲- تقلید ناآگاهانه از حجاب استایل‌ها، ولاگرها و بلاگرها، واینرها و اینفلوئنسرها

اینفلوئنسرها و سلبریتی‌ها به‌عنوان الگوهای رفتاری برای جوانان شناخته می‌شوند. مواجهه پرتکرار با آن‌ها که پوشش‌های غیرمتعارف دارند، می‌تواند باعث تقلید ناآگاهانه دانش‌آموزان شود و آن‌ها را به سمت انتخاب‌های غیرمتعارف و بی‌حجابی سوق دهد. یکی از معلمان می‌گوید: «ما هر روز می‌بینیم که دانش‌آموزان با استایل‌های جدید و غیرمتعارف وارد مدرسه می‌شوند و وقتی باهاشون صحبت می‌کنیم، می‌گن که از فلان ولاگر یا اینفلوئنسر یادگرفتن. این نوع تقلیدها باعث می‌شه که دانش‌آموزان بیش‌تر از قبل به مسائل ظاهری و مدگرایی اهمیت بدن تا به درس و تحصیل» (کد B).

۳- زمینه‌های جنس و روان‌شناسانه

گسترش بی‌حجابی و بی‌حیایی در بین دانش‌آموزان نتیجه ترکیبی از عوامل متعدد است: جنسی شدن زودرس، تغییرات هورمونی، کمبود عزت‌نفس و تلاش برای هویت‌یابی؛ بنابراین، آموزش صحیح درباره ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و افزایش آگاهی درباره پیامدهای اجتماعی ضروری است. معلم دیگری می‌گوید: «وقتی از بچه‌ها می‌پرسم چرا این‌قدر به ظاهرشون اهمیت می‌دن، جواب می‌دن که این‌طوری بیش‌تر دیده می‌شن. انگار که دیگه برای خیلی‌ها ارزش‌های سنتی مثل حیا و عفاف اهمیتی نداره» (کد E).

۳-۱- هویت‌یابی و جست‌وجوی تیپ شخصیتی و ظاهر

نوجوانان در جست‌وجوی هویت شخصی و اجتماعی خود هستند و ممکن است با پیروی از اینفلوئنسرها و سلبریتی‌های بی‌حجاب، احساس کنند که این سبک زندگی نمایان‌گر «هویت مدرن»

است. این تقلید ناآگاهانه می‌تواند به گسترش بی‌حجابی و بی‌حیایی در میان دانش‌آموزان منجر شود. یکی از معلمان می‌گوید: «متأسفانه، بسیاری از دانش‌آموزان تیپ شخصیتی و ظاهری افراد معروف توی شبکه‌های اجتماعی تقلید کنند، هر روز پوشش‌ها و رفتارهایی را انتخاب و امتحان می‌کنند که با فرهنگ و ارزش‌های ما همخوانی ندارد» (کد E).

۲-۳- خودنمایی و گرایش‌های جنسی

میل به ابراز خود و استفاده از وسایل آرایشی در میان دانش‌آموزان نوجوان، به‌ویژه در دوران تغییرات فیزیکی و عاطفی، می‌تواند نگرش‌ها و رفتارهای جدیدی در حوزه پوشش و حجاب ایجاد کند. عادی شدن آرایش بزرگسالان و تأکید رسانه‌ها بر زیبایی ظاهری، این پیام را به نوجوانان انتقال می‌دهد که جذابیت ظاهری مهم‌ترین چیز است. معلم دیگری می‌گوید: «خیلی از دانش‌آموزان حتی کلاس ششمی‌ها با وسایل آرایشی میان مدرسه. وقتی از شون می‌پرسم چرا این کارو می‌کنند، می‌گن چون توی اینستاگرام دیدن و به نظرشون اینجوری زیباترین» (کد N).

۴- تعامل محدود با سایر نهادها و سازمان‌ها

یکی از وظایف اساسی آموزش و پرورش، پرورش شخصیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان است. برای تحقق این هدف، همکاری میان خانواده‌ها، نهادهای مذهبی، رسانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی ضروری است. عدم تعامل مؤثر می‌تواند نقش نظام آموزشی را در هدایت فرهنگی و اخلاقی دانش‌آموزان محدود کند. یکی از معلمان می‌گوید: «وقتی که نهادهای آموزشی با سایر نهادها، مثل رسانه‌ها مثلاً تلویزیون، سازمان‌های مذهبی و فرهنگی مثل اداره ارشاد یا کانون فرهنگی تربیتی کودکان و نوجوانان و حتی خانواده‌ها تعامل و همکاری کافی نداشته باشند، پیام‌ها و ارزش‌های متفاوت و بعضی وقت‌ها حتی متناقضی به دانش‌آموزان منتقل می‌شود» (کد G).

۴-۱- ارتباط و تعامل محدود آموزش و پرورش با حوزه و دانشگاه

خانواده‌ها نقشی اساسی در شکل‌دهی به ارزش‌ها و نگرش‌های کودکان دارند. عدم ارتباط فعال آموزش و پرورش با خانواده‌ها می‌تواند به تضعیف ارزش‌های اجتماعی و دینی منجر شود و دانش‌آموزان را به پذیرش هنجارهای غیر هم‌سو سوق دهد. همچنین، کمبود فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مناسب به دلیل تعامل محدود با نهادها، باعث می‌شود دانش‌آموزان بیش‌تر در فضاهای مجازی و تحت‌تأثیر رسانه‌های بیگانه قرار گیرند که این موضوع می‌تواند به گسترش بی‌حجابی منجر شود. یکی از معلمان می‌گوید: «ما تو مدرسه هرچقدر تلاش کنیم که ارزش‌های درست رو به بچه‌ها یاد بدیم، وقتی بیرون از مدرسه همه چی برعکسه، خیلی سخته که تأثیر بذاریم. سازمان‌ها و نهادهای دیگه جامعه چیزایی رو به بچه‌ها یاد می‌دن که اصلاً با چیزی که ما تو مدرسه می‌گیم، نمی‌خونه» (کد H).

۵- شناخت و آگاهی

آگاهی نادرست یا سطحی از طریق رسانه‌ها می‌تواند به گسترش بی‌حجابی در دانش‌آموزان منجر شود. این اطلاعات نادرست موجب سردرگمی و تمایل به بی‌حجابی برای احساس آزادی یا جلب توجه می‌شود.

نداشتن آگاهی کافی درباره فلسفه حجاب نیز می‌تواند تفسیرهای نادرستی از این مفهوم ایجاد کند. یکی از معلمان می‌گوید: «خیلی از دانش‌آموزان اصلاً نمی‌دانند که چرا حجاب مهمه. آگه ازشون بپرسی چرا بدون حجاب میان مدرسه، می‌گن که چون می‌خوان مثل بقیه باشن یا جذاب‌تر دیده بشن. این یعنی شناخت درست و کاملی از حجاب ندارن» (کد J).

۵-۱- تعقل و اندیشه‌ورزی

تعقل و اندیشه‌ورزی اگر به‌درستی هدایت نشوند، می‌تواند به گسترش بی‌حجابی در دانش‌آموزان منجر شود. بدون فضای آموزشی مناسب، آن‌ها ممکن است ارزش‌های اخلاقی مانند حجاب را زیر سؤال ببرند و به سمت ارزش‌هایی که از رسانه‌ها می‌آید، گرایش پیدا کنند. یکی از معلمان می‌گوید: «خیلی از دانش‌آموزان سؤالاتی خوبی دارن و می‌خوان درباره چیزایی مثل حجاب بیش‌تر بدونن، ولی وقتی پاسخ‌های درست و منطقی بهشون نمی‌دیم، خودشون می‌رن دنبال جواب و متأسفانه جواب‌هایی که از فضای مجازی می‌گیرن، بیش‌تر به سمت بی‌حجابی و بی‌حیایی می‌بره» (کد A).

۵-۲- باورها و نگرش‌ها

یکی از این باورها، طرز تلقی ناآگاهانه از بی‌منزلتی افراد باحجاب است. به‌ویژه در فضای مجازی، حجاب به‌عنوان نشانه‌ای از عدم پیشرفت یا عدم مدرنیته تلقی می‌شود. این نگرش می‌تواند باعث شود که دانش‌آموزان به‌طور ناخودآگاه افرادی که حجاب دارند را به‌عنوان افرادی کم‌سواد یا عقب‌مانده ببینند. این نوع تفکر می‌تواند به گسترش بی‌حجابی و بی‌حیایی منجر شود. از سوی دیگر، تلقی افراد بی‌حجاب به‌عنوان افرادی باکلاس، باسواد و متمدن نیز می‌تواند به این روند کمک کند. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «متأسفانه، دانش‌آموزان فکر می‌کنند که اگر حجاب داشته باشند، به‌نوعی از مد و پیشرفت عقب مانده‌اند. این طرز فکر باعث می‌شود که آن‌ها به سمت پوشش‌های غیرمعارف بروند» (کد A).

۶- خانواده‌ها: بے اعتنا

زمانی که خانواده‌ها نسبت به مسائل اخلاقی و فرهنگی بی‌توجه باشند، این بی‌توجهی می‌تواند به گسترش بی‌حجابی و بی‌حیایی در بین دانش‌آموزان منجر شود. اگر خانواده‌ها درباره حجاب و حیاء صحبت نکنند یا این موضوعات را کم‌اهمیت جلوه دهند، فرزندان ممکن است احساس کنند که این مسائل برای آن‌ها اهمیتی ندارد و به‌تدریج از آن‌ها فاصله بگیرند. معلمان نیز در این زمینه نظرات جالبی دارند. یکی از معلمان می‌گوید: «وقتی می‌بینم که والدین هیچ توجهی به نوع پوشش یا رفتار فرزندانشان ندارند، نگران می‌شوم. بچه‌ها نیاز دارند که حداقل از طرف خانواده‌شان راهنمایی شوند» (کد O).

۶-۱- بے تفاوتی و مخالفت خانواده‌ها به‌ویژه مادران با دین و مذهب

وقتی مادران حجاب را نادیده می‌گیرند، این پیام به فرزندان منتقل می‌شود که حجاب و ارزش‌های مرتبط با آن اهمیت ندارند. این بی‌توجهی می‌تواند باعث شود دانش‌آموزان احساس کنند الزامی برای رعایت آن وجود ندارد و از هنجارهای اجتماعی فاصله بگیرند. یکی از معلمان بیان می‌کند: «وقتی مادران به‌جای حمایت از ارزش‌های دینی، فرزندانشان را تشویق به آزادی مطلق در انتخاب پوشش می‌کنند،

بچه‌ها احساس می‌کنند که هیچ قید و بندی ندارند. این یک خطر جدی برای جامعه است» (کد M).

۷- زمینه‌ها، سیاست و اقتصاد

در جوامع با چالش‌های سیاسی و اقتصادی، ارزش‌های اخلاقی ممکن است نادیده گرفته شوند. در شرایط ضعیف اقتصادی، برخی دانش‌آموزان برای جلب توجه از هنجارهای اجتماعی فاصله می‌گیرند. هم‌چنین، بی‌توجهی دولت‌ها به مسائل فرهنگی و ترویج آزادی‌های فردی می‌تواند به عادی‌سازی بی‌حجابی منجر شود. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «در کلاس ما، برخی دانش‌آموزان به وضوح تحت تأثیر فضای سیاسی قرار دارند. وقتی ارزش‌ها نادیده گرفته می‌شوند، طبیعی است که آن‌ها هم دچار سردرگمی شوند» (کد F).

۷-۱- مخالفت با ارتباط دین با سیاست

اگر دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی با انتقادات مکرر به ارتباط دین با سیاست (اندیشه سکولاری) مواجه شوند، ممکن است به‌طور ناخودآگاه این انتقادات را به کل آموزه‌های دینی تعمیم دهند. این امر می‌تواند منجر به ایجاد یک نگرش منفی نسبت به اصول دینی شود و در نتیجه، دانش‌آموزان کمتر تمایل داشته باشند تا ارزش‌هایی مانند عفاف و حجاب را جدی بگیرند. معلمی می‌گوید: «بسیاری از دانش‌آموزان امروز احساس می‌کنند که دین باید فقط در مساجد باقی بماند» (کد D).

۷-۲- لجاجت‌ها، سیاست و حزب

زمانی که احزاب و گروه‌های سیاسی به‌جای تمرکز بر مسائل اساسی جامعه، بر روی موضوعاتی مانند حجاب و پوشش متمرکز می‌شوند، این امر می‌تواند منجر به ایجاد فضایی متشنج و قطبی شود. در چنین فضایی، دانش‌آموزان ممکن است تحت تأثیر تبلیغات سیاسی قرار بگیرند و احساس کنند که باید با هنجارهای اجتماعی موجود مخالفت کنند تا خود را از نظر سیاسی یا اجتماعی متمایز سازند. مصاحبه‌شونده‌ای بیان می‌کند: «بچه‌ها وقتی می‌بینند که بزرگ‌ترها درباره حجاب فقط بحث‌های سیاسی می‌کنند، فکر می‌کنند که این موضوع بیش‌تر یک بازی سیاسی است تا یک مسئله فرهنگی. این باعث می‌شود که آن‌ها نسبت به آن بی‌تفاوت شوند» (کد C).

۷-۳- انتقاد خانواده‌ها نسبت به اوضاع و احوال اقتصاد

وقتی خانواده‌ها با مشکلات مالی روبه‌رو هستند، معمولاً نمی‌توانند به‌طور مؤثر بر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی فرزندان خود نظارت داشته باشند. این کمبود منابع مالی ممکن است باعث شود که نیازهای ضروری فرزندان، مانند پوشاک، تأمین نشود. در نتیجه، دانش‌آموزان ممکن است به استفاده از لباس‌های نامناسب روی آورند که می‌تواند به افزایش بی‌حجابی منجر شود. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «ما شاهدیم که دانش‌آموزان بیش‌تر از گذشته به مد و سبک‌های غیربومی گرایش پیدا کرده‌اند. خانواده‌ها کم‌تر وقت می‌کنن که روی این مسائل حساس بشن چون خودشون با مشکلات اقتصادی بزرگی دست‌وپنجه نرم می‌کنن» (کد O).

۸- نفوذ اندیشه‌های لیبرال و سکولار در متن جامعه

لیبرالیسم و سکولاریسم با تأکید بر فردگرایی و آزادی شخصی می‌توانند الگوهای جدیدی از زندگی و پوشش را در میان جوانان ترویج دهند که با ارزش‌های دیرینه فرهنگ ما در تضاد است. در این فضا، ارزش‌های دینی کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند و دانش‌آموزان با احساس آزادی بیش‌تر، به انتخاب‌های غیرسنتی و گاه غیراخلاقی روی می‌آورند. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «این روزها بچه‌ها خیلی به آزادی‌های شخصی فکر می‌کنن و می‌گن هر کس حق داره خودش انتخاب کنه چی بپوشه» (کد A).

۸-۱- اسب تروآ

این سناریو به نفوذ غیرمستقیم و تدریجی مفاهیم و الگوهای رفتاری به‌ظاهر بی‌خطر اشاره دارد که می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دهد. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهای قوی، تصاویری از سبک زندگی‌هایی ارائه می‌دهند که حجاب و عفاف را نادیده می‌گیرند. این تصاویر به تدریج در ذهن دانش‌آموزان جا می‌گیرند و ممکن است ابتدا به‌عنوان انتخاب فرد جلوه کنند، اما در نهایت می‌توانند نگرش‌ها و اعمال را تغییر دهند و تأثیرات اجتماعی وسیعی بر هنجارهای جامعه بگذارند. معلمی می‌گوید: «نفوذ تدریجی ایده‌ها و الگوهای رفتاری که به‌طور ظاهری بی‌خطر به نظر می‌رسند، همان سناریو نفوذ اسب تروآ است» (کد A).

بحث و نتیجه‌گیری

در پرسش اول پژوهش پیرامون چالش‌های موجود در ترویج فرهنگ اسلامی به‌ویژه در ترویج حجاب و عفاف، بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با معلمان، مضامین اصلی زیر شناسایی شدند: ۱- آثار مثبت و منفی نوع مواجهه و برخورد، ۲- تناقض در افعال و اقوال معلمان و مبلغان.

مضمون اصلی اول آثار مثبت و منفی نوع مواجهه و برخورد بود که شامل دو مضمون فرعی مواجهه مبتنی بر تنبیه و مجازات و مواجهه مبتنی بر اقناع و گفت‌وگو بود که رویکردهای مثبت‌تر که بر اساس گفت‌وگو و اقناع بنا شده‌اند، احتمالاً نتایج بهتری در ترویج حجاب در بین دانش‌آموزان خواهند داشت؛ اما برخوردهای شدید و تنبیهی می‌توانند احساسات منفی مانند خشم، سرخوردگی و بی‌اعتمادی را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. این احساسات ممکن است باعث شوند که آن‌ها نسبت به حجاب و نیز کل نظام آموزشی و فرهنگی خود نیز بی‌علاقه شوند. این نوع برخوردها می‌توانند اثر معکوس داشته باشند و موجب دوری بیش‌تر دانش‌آموزان از ارزش‌هایی شوند که قرار بود ترویج یابند. نتایج پژوهش امین و نعیمی (۱۴۰۲)، ناهمسو با این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر است که اذعان می‌دارند بهره‌گیری از ابزارها، شیوه‌های اجرایی و مجازات‌های متناسب با تفاوت‌های فرهنگی، برای جلوگیری از بروز تضاحم بین مصلحت الزام به حجاب و مصالح دیگر، ضرورت دارد.

مضمون اصلی بعدی تناقض در افعال و اقوال معلمان و مبلغان که ناظر بر سوءرفتار عاملان و آمران به معروف بود. وقتی دانش‌آموزان متوجه شوند که معلم یا مبلغی که درباره اهمیت حجاب صحبت می‌کند، خود به این اصول پایبند نیست، ممکن است این نتیجه را بگیرند که حجاب تنها یک حرف است و ارزش

واقعی ندارد. رضایی هفتاد، شهیدی و راجی (۱۴۰۲)، نیز در پژوهشی نشان دادند که پیامبر نیز در عصر خود اول از خانه خود شروع کردند و زنان عصر پیامبر (ص)، غالباً با پذیرش حجاب به عنوان حق خویش و عاملی برای حضور فعال و بدون آسیب اجتماعی نسبت به خود و مردان، بدون هیچ اهرم فشاری و حتی با انتخاب آزادانه رنگ مشکی برای پوشش خود به این مقوله ارزش نهادند.

در پرسش دوم پژوهش زمینه‌های ترویج فرهنگ اسلامی به‌ویژه ترویج حجاب و عفاف در ۸ مضمون اصلی و ۱۴ مضمون فرعی استخراج شد. زمینه‌های بی‌توجهی به فرهنگ حجاب و عفاف با مضامین اصلی: ۱- جامعه، ۲- بی‌مدیریتی و عدم حکمرانی فضای مجازی، ۳- زمینه‌های جنسی و روان‌شناسانه، ۴- تعامل محدود آموزش و پرورش با سایر نهادها و سازمان‌ها، ۵- شناخت و آگاهی، ۶- خانواده‌های بی‌اعتنا، ۷- زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، ۸- نفوذ اندیشه‌های لیبرال و سکولار در متن جامعه دینی مدارس شناسایی شدند.

در بخش زمینه‌ها، یکی از مضامین اصلی، جامعه بود. دو زمینه‌های اجتماعی و فشار گروه هم‌سالان در بین صحبت‌های معلمان مهم تلقی شدند. در زمینه‌های اجتماعی و فشار گروه هم‌سالان، مشاهده زنان با آرایش‌های غلیظ در جوامع سنتی می‌تواند به عنوان الگو برای جوانان عمل کند و تغییرات فرهنگی در نگرش به حجاب را تسهیل کند. این نمایش ممکن است احساس نارضایتی از پوشش‌های سنتی را ایجاد کند و دانش‌آموزان را به انتخاب‌های غیرمعارف سوق دهد. هم‌چنین، فشار گروه هم‌سالان در فرایند هویت‌یابی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد و آن‌ها ممکن است برای تأیید اجتماعی، رفتارها یا سبک‌های خاصی را بپذیرند.

مضمون اصلی بی‌مدیریتی فضای مجازی شامل دو مضمون فرعی عدم سواد رسانه‌ای و تقلید ناآگاهانه از حجاب استایل‌ها و اینفلوئنسرها است. مدیریت اینترنت، توسعه شبکه ملی و توانمندسازی معلمان در علم رسانه‌ای لازم است. رسانه‌ها می‌توانند زمینه بی‌حجابی را با نمایش مداوم زیبایی‌های ظاهری و لباس‌های غیرمعارف ترویج کنند. یکی از شبهات رایج در شبکه‌های مجازی، عدم حجاب اجباری در عصر نبوی و پیامدهای آن در عصر کنونی است. نتایج پژوهش جواهری (۱۴۰۲)، نیز هم‌سو با این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر است و بر اهمیت فضای مجازی تأکید دارد و نشان داده است که وجود ظرفیت حجاب اجباری در آیات قرآن و نقش نظام اسلامی در آن این شبهات را برطرف می‌نماید.

مضمون اصلی زمینه‌های جنسی و روان‌شناسانه شامل هویت‌یابی، جست‌وجوی تیپ شخصیتی و گرایش‌های جنسی است. تغییرات فیزیکی و هورمونی در دوره نوجوانی باعث بروز تمایلات و احساسات جنسی می‌شود. اگر این تغییرات به‌درستی کنترل نشود، ممکن است نوجوانان به سمت نادرست سوق یابند. هم‌چنین، تعامل محدود آموزش و پرورش با سایر نهادها منجر به انتقال پیام‌های متناقض و سردرگمی در دانش‌آموزان می‌شود که می‌تواند پذیرش هنجارهای غیر هم‌سو با ارزش‌های دینی را به همراه داشته باشد. امینی زرین و ربانی (۱۴۰۲)، نیز هم‌سو با این بخش از یافته‌های پژوهش به نقش نهادهای حاکمیتی تأکید دارند.

مضمون اصلی دیگر شناخت و آگاهی نادرست یا ناکافی از مفاهیمی مانند حجاب بود که خود شامل

دو مقوله تعقل و اندیشه‌ورزی و باورها و نگرش‌هاست. در عصری که رسانه‌ها و فضای مجازی بخش مهمی از زندگی دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند، تعقل و اندیشه‌ورزی آن‌ها به شدت تحت تأثیر محتوای دیداری و شنیداری قرار دارد. رسانه‌ها اغلب به جای تشویق به تفکر عمیق و انتقادی، فرهنگ‌های سطحی و جذابیت‌های ظاهری را ترویج می‌کنند. دانش‌آموزانی که به دنبال درک جهان و موقعیت خود هستند، ممکن است به جای پژوهش و بررسی عمیق‌تر، به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌های مدگرایانه قرار گیرند که بی‌حجابی و رفتارهای بی‌قیدوشرط را به عنوان نشانه‌هایی از مدرنیته و آزادی معرفی می‌کنند. سعیدی رضوانی و غلامی (۱۴۰۲)، نیز هم‌سو با این بخش از یافته‌های پژوهش بر ضرورت تعقل و بینش در امر حجاب تأکید داشتند و ۵ عامل «ضعف فردی انگیزشی»، «میل به خودنمایی»، «ضعف اعتقادی»، «ضعف دانشی بینشی» و «تهدیدات خانوادگی اجتماعی» را موانع حجاب در عصر کنونی دانستند.

مضمون اصلی دیگر بی‌تفاوتی و مخالفت خانواده‌ها به‌ویژه مادران با دین و مذهب بود اگر خانواده‌ها نتوانند ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی مانند حجاب را به درستی منتقل کنند، نسل‌های آینده ممکن است با چالش‌های جدی‌تری مواجه شوند. هم‌سو با این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر، آینه‌چی و عرب خراسانی (۱۴۰۲)، نیز نشان دادند که عوامل روان‌شناختی از جمله سازه‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی درون‌زاد فرد و ویژگی‌های برون‌زاد حاصل از تربیت خانوادگی که در درجات و ضرایب مختلف در افراد نمایان می‌شود بر وضعیت حجاب و عفاف تأثیرگذار است.

مضمون فرعی دیگر زمینه‌های سیاسی و اقتصادی بود که شامل مضامین فرعی مخالفت با ارتباط دین با سیاست، لجاجت‌های سیاسی و حزبی و انتقاد خانواده‌ها نسبت به اوضاع و احوال اقتصادی بود. اگر جامعه نتواند ارزش‌های اخلاقی را حفظ کند، نسل‌های آینده ممکن است با چالش‌های جدی‌تری مواجه شوند و هویت فرهنگی خود را بیش‌تر از دست بدهند.

مضمون فرعی دیگر به نام سناریوی اسب تراواست که در حجاب و عفاف در جامعه ایران به عنوان یک راهبرد فرهنگی و اجتماعی از سوی دشمنان، هدف تضعیف ارزش‌های اسلامی و دینی را دنبال می‌کند. این سناریو به نفوذ تدریجی ایده‌ها و الگوهای رفتاری اشاره دارد که ظاهراً بی‌خطر هستند، اما می‌توانند نگرش‌ها و رفتارها را تغییر دهند. نفوذ اندیشه‌های لیبرال و سکولار در میان دانش‌آموزان می‌تواند به گسترش بی‌حجابی و بی‌حیایی منجر شود و این مسئله با ترویج آزادی‌های فردی و کاهش نقش دین در زندگی عمومی مرتبط است. ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۲)، نیز هم‌سو با نتایج این بخش از پژوهش حاضر، پیشنهاد کردند در برنامه‌ها و اقدامات تربیتی، توصیه به رعایت حجاب همراه با بیدار ساختن امر فطری حیا صورت گیرد و بدون پرورش فطرت حیا و بدون ملاحظه نقش مقدمه‌ای حیا، اقدامات در خصوص توصیه به رعایت حجاب مؤثر نخواهد بود. نفوذ اندیشه‌های لیبرال و سکولار به عنوان «اسب تروآ» در جامعه دینی ایران، با وعده‌هایی مانند آزادی فردی و حقوق بشر آغاز می‌شود. این مفاهیم ممکن است جذاب به نظر برسند، اما در عمل می‌توانند اصول اخلاقی و دینی را تضعیف کنند. این نفوذ از طریق رسانه‌ها و آموزش‌های غیررسمی انجام می‌شود و به تدریج هنجارها را تغییر می‌دهد. واکنش مؤثر جامعه دینی و نظام آموزش و پرورش از اهمیت بالایی برخوردار است. پاسخ‌گویی با آگاهی‌بخشی و تقویت ارزش‌های دینی می‌تواند احتمال موفقیت این نفوذ را کاهش دهد و نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ

است. در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت که تمام مضامین ذکر شده کمابیش نشان‌دهنده یک راهبرد پیچیده برای تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای دینی در جامعه ایران است. اندیشه‌های لیبرال و سکولار به صورت تدریجی و غیرمستقیم از طریق رسانه‌ها وارد می‌شوند و با وعده‌هایی مانند آزادی و حقوق بشر جذابیت پیدا می‌کنند. این نفوذ می‌تواند منجر به گفت‌وگوهای انتقادی درباره اصول دینی شود و در نهایت اعتقادات مذهبی و نگرش‌ها نسبت به حجاب و عفاف را تضعیف کند، هم‌چنین احساس نارضایتی از وضعیت موجود را ایجاد کند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به روش گردآوری داده‌ها اشاره کرد که تنها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. نمونه پژوهش محدود به معلمان بود و مدیران، کارشناسان، والدین و دانش‌آموزان در مصاحبه مشارکت نداشتند. نمونه پژوهش محدود به دوره ابتدایی و شهر یزد بود. براین اساس پیشنهاد می‌شود ادراکات معلمان سایر دوره‌های تحصیلی از نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ اسلامی با تأکید بر عفاف و حجاب نیز مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین در سطح آموزش عالی، دیدگاه اساتید دانشگاه نیز مورد بررسی قرار گیرد. از ظرفیت سایر روش‌های کیفی از جمله روش نظریه داده‌بنیاد برای بررسی تجربه زیسته معلمان و دانش‌آموزان در این زمینه استفاده شود. زمینه‌های روان‌شناختی؛ زمینه‌های اعتقادی؛ زمینه‌های فناورانه؛ زمینه‌های جامعه‌شناختی و زمینه‌های اقتصادی و سیاسی مورد بررسی گسترده و دقیق‌تر قرار گیرند. با توجه به نقش خانواده در باور و عمل به حجاب و عفاف و اهمیت ارتباط خانه و مدرسه، مناسب است که تدابیر به‌روز و کارآمد جهت گسترش پیوند میان اولیا و مربیان در نظر گرفته شود. در کنار کارنامه علمی، پیشنهاد می‌شود کارنامه رفتاری نیز برای دانش‌آموزان ایجاد شود. نهاد آموزش و پرورش برنامه‌ای هدفمند جهت دعوت به کار و استخدام مشاوران توانمند و حرفه‌ای در نظر گیرد تا مشکل کمبود مشاور متخصص و متعهد در مدارس حل شود. هم‌چنین جهت توانمندی و به‌روزرسانی مشاوران مدارس کارگاه‌هایی با حضور مشاوران و روان‌شناسان مطرح کشوری برگزار گردد. هسته مشاوره آموزش و پرورش با همکاری کلینیک‌های مشاوره اقدام به برگزاری کارگاه‌هایی مجزا برای آموزش مدیران، مشاوران، والدین و دانش‌آموزان جهت آشنایی بیشتر با تأثیرات سوء کم‌حجابی و بی‌حجابی کنند.

قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همه معلمان و کدگذارانی که نهایت همکاری در اجرای این پژوهش داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

حامی مالی: وجود ندارد.

تعارض در منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض در منافع وجود ندارد.

منابع

قرآن کریم.

- امین، الهام، و داوودی، علی اصغر (۱۴۰۲). حجاب، هویت زنانه و هژمونی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۶(۹۹)، ۹۵-۱۲۶. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735501.1402.26.99.4.6>
- امین، سید علیرضا، و نعیمی، اشکان (۱۴۰۲). بررسی فقهی شبهاتی درباره مسئولیت حاکمیت اسلامی نسبت به اقامه حجاب. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۱(۱)، ۷۹-۹۴. <https://www.doi.org/10.22034/ijwf.2023.14773.2030>
- امینی زرین، علیرضا، و ربانی زهرا (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی آموزش و نهادینه‌سازی مفهوم حجاب و عفاف در دوره دوم ابتدایی (مورد مطالعه، درس هدیه‌های آسمان). *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۸(۲)، ۸۱-۱۰۰. <http://dx.doi.org/10.61186/qaiie.8.2.81>
- آینه چی، عباس، و عرب خراسانی، سمیه (۱۴۰۲). فراتحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته باحجاب و عفاف. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۸(۶۳)، ۱۵۳-۱۸۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1402.18.63.6.2>
- بهرامی، محمدحسین (۱۴۰۲). تجارب زیسته دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه (یک مطالعه پدیدارشناسانه). *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۸(۲)، ۵۱-۸۰. <http://dx.doi.org/10.61186/qaiie.8.2.51>
- جواهری، سید محمدحسن (۱۴۰۲). آیات حجاب و چالش‌های معاصر (نقد شبهات). *دو فصلنامه علمی شبهه پژوهی مطالعات قرآنی*، ۵(۹)، ۳۱-۵۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173879.1399.2.2.5.9>
- ذوالفقاری، فرشته، ستاری، علی، و بناهان قمی، مریم (۱۴۰۲). تبیین فلسفی نسبت میان حیا و حجاب و دلالت‌های تربیتی آن در تربیت اسلامی. *تربیت اسلامی*، ۱۸(۴۵)، ۲۹-۵۵. <https://doi.org/10.30471/edu.2023.8840.2650>
- رحمانی، نیره، زاهدی وفا، زهر، و یزدی‌زاده، سارا (۱۴۰۱). نسبت اصول برنامه‌ریزی درسی و تربیتی مدرسه حکمت بنیان با سند برنامه درسی ملی: مطالعه موردی مکتب اسلامی سبزوار. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷(۳)، ۶۵-۸۷. <http://dx.doi.org/10.52547/qaiie.7.3.65>
- رضایی هفتادر، حسن، شهیدی، روح‌الله، و راجی، مرضیه (۱۴۰۲). تحلیل دیدگاه مستشرقان درباره آیه حجاب و ارتباط آن با سلامت روان. *پژوهش در دین و سلامت*، ۹(۲)، ۱۴۵-۱۵۹. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v9i2.38204>
- سعیدی رضوانی، محمود، و غلامی، فاطمه (۱۴۰۱). کاربست داستان برای آموزش حجاب به دختران دوره ابتدایی: مطالعه ارزیابانه کیفی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷(۴)، ۳۳-۵۷. <http://dx.doi.org/10.52547/qaiie.7.4.33>
- کاوند، نداء، و محمدی‌مقدم، یوسف (۱۴۰۱). الگوی مفهومی جهاد تبیین از دیدگاه مقام معظم رهبری. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۵(۹۷،۲)، ۱۵۳-۱۸۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735501.1401.25.972.6.7>
- کریمی، فاطمه، و طالبی، بهنام (۱۴۰۰). جستاری بر تجارب زیسته دانش‌آموزان از حدود حجاب اسلامی. *فصلنامه خانواده و پژوهش (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی)*، ۱۸(۱)، ۱۳۷-۱۵۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1400.18.1.8.7>
- مختاریان‌پور، مجید، و گنجعلی، اسدالله (۱۳۹۰). نهادی سازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرایندی. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴(۳)، ۱۱۷-۱۵۱. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2011.15.006>

هندرست، عطیه، و کریم‌آبادی، صبا (۱۴۰۲). بررسی اقتصادی کالای حجاب با استفاده از الگوی ADIS. زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۱)، ۲۷۳-۲۵۵. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.349766.1008262>

References

- Amin, E. & Davoudi, A. (2023). Hijab, female identity and ideological hegemony of the Islamic revolution in Ayatollah Khamenei discourse. *Basij Strategic Studies*, 26(99), 95-126. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735501.1402.26.99.4.6>[In Persian]
- Amin, S. A. & Naeimi, A. (2023). A Jurisprudential Investigation into the Doubts about the Responsibility of the Islamic Government to Wearing Hijab. *The Islamic Journal Of Women and The Family*, 11(1), 79-94. <https://doi.org/10.22034/ijwf.2023.14773.2030>[In Persian]
- Aminizarin, A., & Rabani, Z. (2023). Pathology of teaching methods of religious concepts with emphasis on the concept of hijab and chastity in schools. *qaiie*. 8(2), 81-100. <https://doi.org/10.61186/qaiie.8.2.81>[In Persian]
- Aynechi, A., & Arab Khorasani, S. (2023). Meta-analysis of psychological variables associated with hijab and chastity. *The Women and Families Cultural-Educational*, 18(63), 153-180. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26454955.1402.18.63.6.2>[In Persian]
- Bahrami, M. H. (2023). Lived experiences of female high school students from the challenge of discovering hijab on the way to school (a phenomenological study). *qaiie*. 8(2), 51-80. <https://doi.org/10.61186/qaiie.8.2.51>[In Persian]
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-10.
- Çaksen, H. & Çaksen, F. (2023). Hijab Protects Adolescent Girls and Women from Sexual Harassment. *Journal of Pediatric Neurology*, Article published online: 26 May 2023, Georg Thieme Verlag KG, Rüdigerstraße 14, 70469 Stuttgart, Germany. <https://doi.org/10.1055/s-0043-1769481>
- Clarke, V. & Braun, V. (2013) Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
- Coyne, S. Gale, M. Rasmussen, S. Bateman, M. Griffin, A. et al. (2023). Beliefs, practices, or culture? A mixed-method study of religion and body esteem, *Psychology of Religion and Spirituality*. 15(3), 437-448. <https://doi.org/10.1037/rel0000471>
- Creswell, J.W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry, *Theory into practice*, 39 (3), 124-130. https://doi.org/10.1207/s15430421tip3903_2
- Dalimunthe, M. A. Pallathadka, H. Muda, I. & Manoharmayum, D. D. Shah, A. H. et al. (2023). Challenges of Islamic education in the new era of information and communication technologies, *Hervormde Teologiese Studies; Pretoria*. 79(1), a8608. <https://doi.org/10.4102/hts.v79i1.8608>
- Honardoust, A. and Karim Abadi, S. (2023). Economic Review of Hijab good with ADIS method. *Woman in Development & Politics*, 21(1), 273-255. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.349766.1008262>[In Persian]
- Javaheri, S. M. H. (2024). Verses of Hijab and Contemporary Challenges (Criticism of Doubts). *Study of Doubts of Qquranic Researches*, 5(9), 31-54. <https://doi.org/10.22034/sdqr.2023.135925>[In Persian]
- Karimi, F., Talebi, B. (2021). A Study on Students' Lived Experiences of Hijab Limitations in Islam. *QJFR*.18 (1):137-150. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1400.18.1.8.7>[In Persian]

- Kavand, N. & Mohamadi Moghadam, Y. (2023). The conceptual model of explanation jihad from the Supreme Leader's point of view. *Basij Strategic Studies*, 25(97.2), 153-184. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735501.1401.25.972.6.7>[In Persian]
- Martin, P.P., & Cleveland, T. (2024). Spirituality and religion and youth development. *Reference module in neuroscience and biobehavioral psychology*. [In Press, Corrected Proof] <https://doi.org/10.1016/B978-0-323-96023-6.00139-1>
- Minns, S., & Rosmarin, D.H. (2023). Spirituality, religion, and mental health. *Encyclopedia of Mental Health*. V(32), 353-360. <https://doi.org/10.1016/B978-0-323-91497-0.00049-7>
- Mokhtarianpour, M. and Ganjali, A. (2012). Institutionalization of Ifaf & Hijab in society; A Process Approach. *Journal of Iranian Cultural Research*, 4(3), 117-151. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2011.15.006>[In Persian]
- Rahmani, N., Zahedivafa, Z., & Yazdizade, S. (2022). The Relationship between the Principles of Curriculum and Educational Planning of Wisdom-Oriented School and the National Curriculum Document: A Case Study of Sabzevar Islamic School. *qaiie*. 7(3), 65-87. <https://doi.org/10.52547/qaiie.7.3.65> [In Persian]
- Rezaee-Haftador, H., Shahidi, R., & Raji, M. (2023). Analyzing the Views of Orientalists Regarding the Veil Verse and its Relationship with Mental Health. *Journal of Pizhūhish Dar dīn Va Salāmat (i.E., Research on Religion & Health)*, 9(2), 145–159. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v9i2.38204>[In Persian]
- Saeedy rezvani, M., & Gholami, F. (2022). Using Stories to Teach Hijab to Elementary School Girls: A Qualitative Evaluative Study. *qaiie*. 7(4), 33-57. <https://doi.org/10.52547/qaiie.7.4.33>[In Persian]
- Sapra, J., Khosla, KH., & Dungrakoti, G. (2021). Spirituality at workplace and its impact on academic performance: an empirical study among private higher education faculties of Delhi NCR, *Journal of organizational change management*. 35(1), 18-37. <https://doi.org/10.1108/JOCM-08-2020-0248>
- Tong, A., Sainsbury, P., & Craig, J. (2007). Consolidated criteria for reporting qualitative research (COREQ): a 32-item checklist for interviews and focus groups. *International Journal for Quality in Health Care*. 19(6), 349-357. <https://doi.org/10.1093/intqhc/mzm042>
- Zolfaghari, F., Sattari, A., & Banahan Qomi, M. (2023). Philosophical Explanation of the Relationship between Modesty and Hijab and its Educational Implications in Islamic Education. *Journal of Islamic Education*, 18(45), 29-55. <https://doi.org/10.30471/edu.2023.8840.2650>[In Persian]
- Zolfaghari, F., Sattari, A., & Banahan Qomi, M. (2023). Philosophical Explanation of the Relationship between Modesty and Hijab and its Educational Implications in Islamic Education. *Journal of Islamic Education*, 18(45), 29-55. <https://doi.org/10.30471/edu.2023.8840.2650>[In Persian]